

است همان است که در مقاله های قبل به شرح آن پرداختیم.
و این آیه از سوره بقره مبین راه دَوم است:

«أَوْ تَحَالَفَىٰ مَرْعَىٰ فَرْتَبَهُ وَيَهَىٰ لِحَاوِيَّةَ عَلِيٍّ
غُرُوبِهَا فَإِنَّ آتَىٰ بِمُحْسِي هُدَيْهِ اللَّهُ تَغْدَىٰ مَرُوبِهَا
فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مَاءَ عَامٍ ثُمَّ فَإِنَّ كَمْ لَيْسَتْ فَإِنَّ لَيْسَتْ يَوْمًا
أَوْ تَهَيَّئَ يَوْمَ فَإِنَّ بَنَ لَيْسَتْ بِأَلَّةَ عَامٍ فَاتَّقِزَالِي عَمَامِكِ
وَتَشْرَابِكِ لَمْ يَتَسَنَّ وَتَقْزُرْ إِلَىٰ جِنَارِكِ وَتَتَجَمَّكَ آيَةَ
لِلنَّاسِ وَتَقْزُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ تَحْتِ نَشِيرِهَا ثُمَّ تَكْشُرُهَا
لَعْنًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ فَإِنَّ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلِيٌّ كُلُّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ»^۱

این آیه سرگذشت کسی را ذکر می‌کند که در ضمن مسافرت خود در حالی که بر الاغی سوار و مقداری آشامیدنی و خوراک که در تقاسیر آنرا شیر و آب انگور و انجیر و انگور ذکر کرده‌اند همراه داشت. از کنار آبادی ای که خراب و درهم ریخته شده و اجساد کسانی که در آن ساکن بوده‌اند پوسیده شده و قطعات استخوانهای آنها در روی زمین ریخته و بهم آمیخته شده عبور کرد و هنگامی که این منظره را دید گفت خداوند این مرد گانرا چگونه زنده می‌کند؟ او چنانکه قرآن موجود در آیه نشان می‌دهد یک فرد عادی نبود و این سخن را از روی انکار و تردید بزبان نیاورد بلکه او یکی از پیامبران بود که به گواهی همین آیه و روایاتی که در تفسیر آیه آمده است خداوند با او سخن گفته است و لذا این سخن را هرگز از روی انکار و تردید نگفت و مطلب برای او از راه دلیل و برهان روشن بود و خداوند متعال چنانکه در آیه ذکر شده است فرمود: «وَلَتَجْعَلَنَّكَ آيَةً لِلنَّاسِ» اراده کرد دلیلی را براساس راه دَوم که ذکر گردید بوجود بیاورد تا مردم با مشاهده آن موضوع «معاد» را روشن تر از راه برهان و دلیل

معاد

آیت الله حسین نوری

* اثبات معاد از راه مشاهده و برهان

* فرزند صدساله و پدر پنجاه ساله

* پیوند خوردن اجزاء مرغان بر سر کوهها



حقیقت امر را ثابت می‌کند ولی راه سوم همیشه قوی‌ترین راه اثبات است چنانکه راه دَوم نیز از راه اول قوی‌تر است.

قرآن کریم برای اثبات معاد هر سه راهی را که ذکر گردید در پیش گرفته و این موضوع مهم را از تمام راهها اثبات کرده است تا راه شک و شبهه ای باقی نماند.

راه اول که راه استدلال و اقامه برهان

در رابطه با عنایت و اهتمام قرآن کریم به موضوع «معاد» که مورد بحث ما است در مقاله های قبل، تعدادی از استدلال‌های را که برای اثبات «معاد» در این کتاب مقدس صورت گرفته است ذکر کردیم اکنون در پی گیری آن بحث توجه باین نکته لازم است که برای اثبات یک موضوع سه راه وجود دارد:

۱- با ترتیب مقدماتی که در اصطلاح صغرا و کبرا نامیده میشود استدلال کنیم و آن موضوعرا از راه اقامه برهان به اثبات برسانیم.

۲- موضوع مورد نظر را عیناً ارائه بدهیم تا با مشاهده آن حقیقت امر از راه حس ثابت و مسلم شود.

۳- موضوع مورد نظر را علاوه بر اینکه ارائه بدهیم علت و سبب پیدایش آنرا نیز ارائه بدهیم تا هم سبب مورد مشاهده قرار بگیرد و هم سبب آن.

مثلا در موردی که وجود آتش را میخواهیم ثابت کنیم، اگر از وجود دُود و حرارت و آثار دیگری که از دور چشم می‌خورد بوجود آتش استدلال کنیم این همان اثبات مطلب از راه ترتیب مقدمات علمی و راه اول است.

و اگر شخص را نزدیک تر برده و آتش را عینا به او نشان بدهیم این راه دَوم برای اثبات موضوع است.

و اگر هیزم را بیاوریم و در پیش چشم او روشن کنیم و آنرا تبدیل به آتش نماییم راه سوم را پیش گرفته سبب و سبب آنرا مورد مشاهده او قرار داده ایم.

این هر سه طریق که ذکر گردید هر چند



خود غرائزش را تعدیل نماید. مثلاً او برای حس تفوق طلبی که خود یک احساس مفید و سازنده است ممکن است تمایلی به تجاوز به حقوق کودکان دیگر نشان دهد. این یک حالت عدم تعادل در غرایز است ولی نباید او را ابتدائاً به زور و تهدید از آن کار بازداشت بلکه باید حس نوع دوستی را در او تحریک کرد، و اگر در محیط سالم و با ملاحظه تعدیل غرایز بازهم کودک به عادات ناپسند کشیده شد باید او را به نحوی که موجب آزرده‌گی سخت او نشود تنبیه نمود تا در صورت سرکشی غرایز از عقاب قانون هراس داشته باشد که این خود نیز یکی از عوامل درونی بازدارنده از گناه و تجاوز است. در اینجا باید توجه به این وظیفه شرعی داشت که اگر تنبیه بدنی موجب سرخ شدن یا کبود شدن بدن کودک باشد دیه بر انسان واجب است و دیه آن تا حدودی سنگین است، کسانی که زود به تنبیه بدنی متوسل می‌شوند باید به این مسئله توجه داشته باشند. بنابراین یکی دیگر از حقوق فرزندان حسن تربیت است ولی این موضوع مسائل فراوانی دارد و در این باره کتابهای بسیار نوشته شده است. ما در اینجا فقط بطور فهرست وار بعنوان یکی از حقوق فرزند نام می‌بریم.

صالح و شایسته به جامعه خویش تحویل دهد؟ با چنین پدری بهتر آن است که آن ملازمت و مصاحبت و دوستی هرگز نباشد. بنابراین شرط اول حسن تربیت، ایجاد محیط سالم و با ایمان و تقوا است و در عین حال باید کاملاً رفتار و کردار کودک در دوران تربیت که از هفت سالگی شروع می‌شود مورد مراقبت باشد. نکته دیگر اینست که نباید در تنبیه کودک عجله نمود چه بسا کودک برای عمل ناشایست خود دلیلی دارد یا اشتباهی مرتکب شده است باید او را متوجه نمود. خونسردی و آرامش شرط اساسی حسن پرورش و تربیت کودک است. از سوی دیگر باید سعی بر این باشد که کودک بطور طبیعی و فطری بسوی خوبیها سوق داده شود و به میل خود از عاداتهای زشت و ناپسند دوری کند. باید توجه داشت که غرایز در او بطور طبیعی رشد می‌کند و او نیز طبق خواستها و تمایلات غریزی حرکت می‌کند. باید روح ایمان و تقوی و درستکاری را در او پرورش داد تا به طبع

هدف حضرت ابراهیم (ع) که بازگشت اجزای بدن هریک به بدن اصلی خود میباشد تأمین می‌شود و طبق بعضی از روایات معروف این امرغ طائوس و خروس و کبوتر و کلاغ بوده‌اند که از جهات مختلف باهم فرق دارند.	که این موضوع جامعه تحقق یابد.	بقیه از معاد
۱- آیه ۲۵۹ سوره بقره.	۱- آیه ۲۶۰ سوره بقره.	نه مسأله شناسائی و تشخیص اجزاء بدن مردگان برای او مشکلی ایجاد میکند و نه جمع‌آوری آنها و تشکیل مجدد بدنها و زنده کردن آنان و حکمت الهی اقتضا می‌کند
۲- تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۴۹.	۲- تفسیر مجمع البیان ج ۲ ص ۳۷۰.	
۳- مفسران قرآن، این مرغان چهارگانه را از نوع مختلف ذکر کرده‌اند زیرا در این صورت است که	۴- آیه ۲۶۰ سوره بقره.	
۵- تعداد این کوهها در قرآن صریحاً نیامده است ولی در روایات اهل بیت (ع) ۱۰ عدد ذکر شده است		

۳- برای اطلاع بیشتر به کتاب الصحیح من السیره ج ۱ ص ۲۵۴ به بعد مراجعه نمائید.	بقیه از آغاز دعوت رسول خدا (ص)
۴- الاصابة ج ۱ ص ۶۴ و الاستیعاب (حاشیه الاصابة) ص ۶۲ و طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۲۲۴ اسد الغابة ج ۵ ص ۱۸۶.	بمکه در مرحله تبلیغ سری اسلام همانگونه که از این روایات ظاهر میشود بنظر میرسد رسیدن خبر ظهور پیامبر اسلام در مکه به ابوذر از طریق غیرعادی و بصورت خارق العاده بوده و همانگونه که در روایات شیعه بود، و بدان گونه نبوده که به سادگی خبر ظهور رسول خدا (ص) به قبیله بنی غفار در بادیه‌های مکه رسیده باشد و او نیز به جستجوی آنحضرت بمکه آمده باشد، والله العالم.
۵- سیره المصطفی هاشم معروف ص ۱۳۶، و البته این اشعار به شخص دیگری هم بنام شامی بن عبدربه سلمی نسبت داده شده که ما در شماره ۵۵ در ضمن داستان حنفه سرگشت او را نقل کرده‌ایم.	
۶- الفیج ج ۸ ص ۳۰۸.	
۷- در روایت امالی صدوق (ره) سند حدیث به ابو بصیر می‌رسد که او از امام صادق (ع) روایت کرده.	
۸- و عبارات مناقب اینگونه است: «و اصعب من ذلك رسول الله بين الحرمين فس التخلات يحدث الناس بما خلا ويحدثهم بما هو آت وانت تتبع فتمك ۱۲۴».	
۹- روضه کافی (مترجم) ج ۲ ص ۱۲۳-۱۲۶ مناقب ج ۱ ص ۹۹ و امالی صدوق ص ۲۸۷ و ضمناً داستان اسلام سلمان را نیز انشاء الله تعالی در جای خود ذکر خواهیم کرد.	
۱۰- الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۲۲۴. الاصابة والاستیعاب ج ۱ ص ۶۳ و اسد الغابة ج ۵ ص ۱۸۷.	
۱- بحار الانوار ج ۱۸ ص ۱۷۷-۱۷۹-۱۸۸ تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۴، سیره ابن اسحاق ص ۱۲۶.	
۲- سیره ابن اسحاق ص ۱۲۱.	